

A Comparative Study on the Causes of Crimes and Disciplinary Violations of Engineers and Determining Preventive Policies from the Perspective of Criminal Sociology

Mohammad Reza
Darabpour

Assistant Professor, Department of Civil Engineering, Allameh Rafiee Institute of Higher Education, Qazvin, Iran & PhD. Student of Criminal Law and Criminology, Law Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Darabpour@gmail.com

Rajab Goldust Joybari

Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
R-Goldoust@sbu.ac.ir

Received: 2022/12/7

Accepted: 2023/11/16



DOI of paper

Abstract

Most engineering disasters are predictable and preventable, therefore, by adopting correct policies, many violations and crimes in the construction industry can be prevented. Based on the descriptive-analytical method, this research, first explores the existing literature to find out why engineering crimes and violations occur from the perspective of criminal sociology, and then it provides practical and preventive suggestions for non-normative behaviors in the engineering world. Various researches in the field of domestic and international engineering show that the construction industry has tremendous potential for committing crimes and obtaining illegal financial profits. This research clearly acknowledges that the working conditions in the construction industry, compared to other professions, are very chaotic and critical, and its deterioration has taken on a wider dimension than in the past. In a crisis situation, the emergence of criminal or criminal behavior is a natural and predictable reaction.

Journal of Research and Development in
Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 6 | No. 20 | autumn 2023
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/LAW.2023.1978323.1205](https://doi.org/10.22034/LAW.2023.1978323.1205)

On this basis, engineering activities should be legally supported in some way so that the necessary economic minimums are considered for engineers. Factors such as the incorrect process of training engineers, belief in the correctness and rationality of criminal behaviors, and especially adherence to the goals and efforts for the survival of the engineering group, and economic factors are among the most important crime-causing factors in the field of engineering. By studying the theories of criminal sociology and its teachings, this research has come to the conclusion that in order to prevent the occurrence of engineering deviations, first of all, the laws must be formulated in such a way that the engineering community has fair legal protections. Secondly, engineers should not be considered as cheap labor based on the economic determinism of labor market imbalance in the discussion of service supply and demand. Thirdly, continuous education and culture building should be the priority of engineering policies. Fourthly, the government, as the owner of power, should not keep all the benefits for itself, and in construction contracts, the balance of contractual exchange should be observed. The results of this study showed that, Primary and primary prevention should be included in crime prevention policies for engineers. This means that efforts should be made so that engineers do not tend to commit crimes, especially after graduation and in the work environment. The first goal in this method of prevention is to improve the living conditions of engineers in order to prevent them from becoming criminals, and the other goal is to produce and promote values that provide or improve healthy intra-group and out-group relationships in interaction with society.

Keywords: *Engineers, criminal sociology, criminal policies, crime prevention.*

مطالعه تطبیقی چرایی وقوع جرایم و تخلفات انتظامی مهندسان و تبیین سیاست‌های پیشگیرانه از منظر جامعه‌شناسی جنایی

محمدرضا داراب پور

استادیار مهندسی عمران موسسه آموزش عالی علامه
رفیعی و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Darabpour@gmail.com

رجب گلدوست جویباری

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق،
دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
R-Goldoust@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۶ | شماره ۲۰ | پاییز ۱۴۰۲

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/LAW.2023.1978323.1205

چکیده

عمده فجایع، جرایم و تخلفات مهندسی قابل پیش‌بینی و پیشگیری هستند و مطابق قانون اساسی پیشگیری از وقوع آنها هم یک وظیفه حاکمیتی است. تجربیات و تحقیقات پیشین داخلی و بین‌المللی مبین این واقعیت است که، با اتخاذ سیاست‌های صحیح می‌توان از بروز بسیاری از تخلفات و جرایم در صنعت ساخت جلوگیری نماید. این تحقیق بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا با کنکاش در ادبیات موجود به چرایی وقوع جرایم و تخلفات خاص مهندسی و آثار آن از منظر جامعه‌شناسی جنایی می‌پردازد و سپس پیشنهادهای کاربردی و پیشگیرانه با توجه به تجارب سایر کشورها برای مقابله با این نوع رفتارها ارائه می‌نماید. عواملی نظیر فرآیند ناصحیح پرورش مهندسان، باور به صحت و عقلانیت رفتار مجرمانه یا متخلفانه و به ویژه پایبندی به اهداف و تلاش برای بقای گروه مهندسی و عوامل اقتصادی در کنار سیاست‌های اشتباه دولتی از مهم‌ترین عوامل جرم‌زا در عرصه مهندسی هستند.

برای جلوگیری از بروز انحرافات مهندسی در معنای عام خود، اولاً، با توجه به عدم توازن بازار عرضه و تقاضا در دنیای مهندسی قوانین باید به گونه‌ای تدوین گردند تا جامعه مهندسی از حمایت‌های عادلانه قانونی برخوردار باشند و مجبور نباشد برای نیل به اهداف خود به ابزارهای غیرقانونی متوسل شوند. ثانیاً، مهندسان نباید به عنوان نیروی کار ارزان بر اساس جبر اقتصادی حاکم بر جامعه مطرح باشند و برای فعالیت‌های آنان متناسب با شرایط کاری و شاخه‌های فنی و خصیصه‌های فردی و شأن مهندسی حداقل دستمزدی عادلانه تعیین گردد، که عدول از آن برای صاحب سرمایه و قدرت امکان پذیر نباشد. ثالثاً، آموزش مستمر و فرهنگ‌سازی باید در اولویت سیاست‌های پیشگیرانه مهندسی باشد. رابعاً، دولت به عنوان صاحب قدرت نباید بیشتر منافع را تنها برای خود قرار دهد و در قراردادهای عمرانی می‌بایست تعادل عوضین قراردادی رعایت گردد.

کلیدواژه‌ها: مهندسان، جامعه‌شناسی‌جنایی، سیاست‌های جنایی، پیشگیری از

جرم.

مقدمه

هیچ پدیده مجرمانه‌ای بدون علت نیست زیرا هیچ شخصی در فطرت خود مجرم متولد نمی‌شود و هیچ تخلف یا جرمی اتفاقی نیست، وانگهی از منظر جامعه‌شناختی، انسان در تعامل با عوامل بیرونی مرتکب بزه می‌شود. منطبق با این مبنای فکری، عوامل جرم‌زا قابل رفع، دفع و یا تعدیل هستند و می‌توان با اتخاذ سیاست‌های بازدارنده و به ویژه اصول پیشگیری اجتماعی و وضعی چه به صورت عام و چه به شکلی خاص بسیاری از انحرافات فعلی در جامعه مهندسی را کنترل یا به نحوی تقلیل داده یا از میان برد. از سویی دیگر، در پرتو بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف حاکمیت^۱ پیشگیری از وقوع جرم در معنای موسع آن، و اصلاح مجرمان و متخلفان است. لذا برای پیاده‌سازی این آرمان لاجرم باید برای هر گروه و مجموعه خاص سیاست‌های متناسب با آن گروه تدوین گردد. بدیهی است که نمی‌توان از یک اسلوب واحد پیشگیرانه برای همه اقشار استفاده نمود. بر همین مبنا به جز سیاست‌هایی که جنبه عام دارند، باید سیاست‌های خاصی برای انواع گروه‌های مهندسی با توجه به خصیصه‌های آنها و متناسب با محیط کاری فعالیتشان طراحی و تبیین گردد. لازم به ذکر است، هر چند پیشگیری در معنای مضیق خود استفاده از ابزار کیفری را در بر نمی‌گیرد، لیکن با کمی مسامحه می‌توان از پتانسیل‌های ابزارهای کیفری برای مقابله با تکرار بزه یا ایجاد ارعابی بازدارنده برای مجرمان بالقوه یا افراد دارای سابقه سوء، بهره برد. پس در نگاهی عام، پیشگیری هم می‌تواند جنبه کیفری و هم جنبه غیر کیفری داشته باشد.

روشن است که نظام کیفری در تبیین و توسعه کارآمد سیاست‌های جنایی و پیشگیرانه به تحلیل واقع‌بینانه از وضعیت موجود و مختصات اجتماعی جرم یا بزه نیاز دارد تا بتواند سیاست‌های مبتنی بر انواع پیشگیری‌ها و سزادهی‌ها را منطبق بر واقعیات آن پدیده تنظیم و تدقیق نماید (بامینی‌پور، ۱۳۸۹: ۶). پر واضح است که سیاست‌های جنایی در کشورهای مختلف بر اساس جامعه هدف و اوضاع و احوال حاکم در آن کشور، تبیین می‌گردد. بدین جهت، استفاده از سیاست‌های جنایی افتراقی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. لیکن بهره‌گیری از

۱. اگرچه قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم را در قلمرو وظایف قوه قضائیه قرار داده است، لیکن این امر یک وظیفه حاکمیتی است و صرفاً معطوف به قوه قضائیه نیست و تمام نهادهای ذیصلاح در این راستا دارای نقش هستند.

تجارب و سیاست‌های پیشگیرانه کشورهای توسعه یافته در تدقیق یا تعریف سازوکارهای پیشگیرانه مفید خواهد بود.

برای ارائه پاسخ و تعیین سیاست‌های بازدارنده باید دو گام مد نظر باشد. در گام اول، مشکل، آثار و چرایی آن باید مشخص گردد، و سپس با توجه به این گام، شیوه حل مشکل متناسب با تجربیات داخلی و خارجی و واقعیت‌های موجود، شناسایی، کشف و یا وضع گردد. تا زمانی که علت امری مشخص نباشد تمام پیشنهادات برای حل مشکل، اگرچه در ظاهر موجه باشد، بیشتر مبتنی بر احتمالات خواهد بود.

رفتارهای مجرمانه یا متخلفانه مهندسی، در پیوند با عوامل شناخته شده و ناشناخته متعددی است. پاره‌ای از این عوامل با ذهنیت‌ها، موقعیت‌ها، پتانسیل‌های بالقوه یا بالفعل و یا محرک‌های پیشاچرم پیوند خورده‌اند و پاره‌ای دیگر موقعیت مدارانه هستند، که فرصت مناسب برای ارتکاب بزه را فراهم می‌آورند و نهایتاً خصیصه‌های فردی و روانی است که بزهکار در گذر زمان آنها را به صورت مستقیم یا باواسطه فرا گرفته یا از جانب محیط پیرامونی بسته به میزان پیوند کمی و کیفی با آن محیط اکتساب می‌نماید (محمدنسل و اشراقی، ۱۳۸۸). سیاست‌های وضع شده نیز باید متناسب با عوامل درونی و بیرونی باشد و نمی‌توان انتظار داشت جامعه مهندسی بدون اصلاح عوامل اجتماعی و پیرامونی کارکرد کاملاً قانونی و بدون نقصی از خود ارائه دهد.

باید اعتراف نمود که، تحقیقاتی که در حوزه علل وقوع انواع بزه‌ها در حوزه صنعت ساخت صورت پذیرفته‌اند، چه در سطح داخلی و چه در سایر کشورها، عموماً و به صورت غیر واقع‌بینانه‌ای عوامل اقتصادی را اصلی‌ترین محرک وقوع جرم و تخلفات در پهنه صنعت ساخت معرفی نموده و سایر عوامل را بسیار کم رنگ جلوه داده‌اند. اگرچه انکار عامل اقتصادی قطعاً گزافه‌گویی است، لیکن، در جغرافیای مهندسی در بسیاری از موارد علت وقوع جرم یا تخلفات بحث اقتصادی و اهداف مالی نیست. باید پذیرفت که مهندسان افراد اجتماعی و خرد محوری هستند و در باطن خود قانون غیر معقول و غیر عادلانه را هرگز بر نمی‌تابند، هرچند در ظاهر به آن مقید باشند. از طرفی، باید رفتارهای مهندسی را بر اساس سایر تئوری‌های جامعه‌شناختی و شرایط حاکم بر جامعه مهندسی مورد ارزیابی قرار داد و بسنده کردن به بعد اقتصادی در تبیین شیوه‌های پیشگیری از جرم و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و یا سیاست‌های جنایی

جامعیت لازم را ندارد و طبیعتاً نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت. لذا پاسخ‌های اقتصاد محور نه دقیق هستند و نه الزاماً کارآمد. زیرا ممکن است مهندسی از نظر مالی تأمین باشد یا اصلاً هدفی اقتصادی را دنبال نکند، ولی همچنان اصرار به ارتکاب بزه داشته باشد. با این توصیف اهداف متصوره از ارتکاب جرم یا تخلف از جانب گروه مهندسان باید دقیقاً شناسایی و تحلیل گردد. این اهداف می‌تواند ناظر بر رفتارهایی به منظور کسب منزلت اجتماعی، اهداف انسان دوستانه، خدمت به همکیشان و همکاران باشد یا با تصور مجرمانه یا متخلفانه نبودن جرم صورت پذیرد.

در این تحقیق سعی شده است با توجه به علل بروز انحرافات (اعم از جرم یا تخلف و نه موضوعات اخلاقی) در صنعت ساخت، سیاست‌های پیشگیرانه مناسب پیشنهاد گردد. متذکر می‌شود که عموم رفتارهای هنجارشکنانه مهندسی وصف متخلفانه دارد و الزاماً جرم نیست. لیکن، سیاست‌های پیشگیرانه مربوطه می‌تواند نقشی کلیدی در کنترل و کاهش آنها چه از منظر مجرمانه و چه از نگاه متخلفانه داشته باشد. خاطر نشان می‌سازد، اگرچه جرم و تخلف اشتراکات زیادی دارند لیکن نباید آنها را به صورت مطلق یکی دانست. ظاهراً مقنن تعریف جامع و مانعی از تخلف و مسئولیت انتظامی ارائه نداده و فقط به ذکر مصادیق بسنده کرده است (شهیدی و دهقان ۱۳۹۷). در تعریف مسئولیت انتظامی، این قسم از مسئولیت را عنوانی متمایز از مسئولیت کیفری و مدنی دانسته‌اند. مسئولیت انتظامی در حقیقت وجه اشتراک مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری است که با حفظ استقلال خود، ویژگی‌هایی از هر دو نوع مسئولیت را در خود گنجانده است. هر شغلی از جمله حرفه مهندسی فراخور شرایط و محیطی که در آن پرورش یافته و به فعالیت مشغول است با نوع خاصی از مسئولیت انتظامی، حرفه‌ای و صنفی روبرو است. در حقیقت، مسئولیت انتظامی مترادف با مجازات حرفه‌ای و صنفی است، که در صورت اثبات تخلف می‌تواند با واکنش‌های خاصی از جانب آن صنف و مراجع صلاحیت دار (مثلاً سازمان نظام مهندسی یا سازمان برنامه و بودجه) همراه باشد در تعریفی عام می‌توان، مسئولیت انتظامی را ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض مجموعه‌ای از ضوابط، وظایف و تکالیف قانونی دانست که بر گروه یا شخصی خاص به سبب وابستگی یا عضویت در صنفی مشخص و یا پذیرش مسئولیتی خاص، تحمیل شده است. در واقع، مسئولیت انتظامی ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض مجموعه‌ای از قواعد حقوق عمومی و

صنفاً است که با رویکردی حمایتی، استانداردهایی را در رابطه با اخلاق حرفه‌ای، کیفیت و امنیت رفتار اشخاص حقیقی و حقوقی وضع می‌نماید. این مقررات می‌تواند مشتمل بر قواعد مربوط به سلامتی و امنیت در محیط کار، سلامت عمومی و حفاظت از محیط زیست، ایمنی کالاها و مقررات عمومی ساختمان شود.

تحقیق حاضر در دو بخش به ارائه مطالب می‌پردازد. در بخش اول با توجه به ادبیات موجود علل وقوع تخلفات مهندسی شناسایی و پاسخ‌هایی که از جانب سایر محققان ذکر شده جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده است و در بخش دوم با توجه به آموزه‌های جامعه‌شناسی جنایی سعی در ارائه پیشنهادات کاربردی به منظور پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات در عرصه مهندسی شده است.

۱. عوامل و آثار بروز تخلف بر اساس ادبیات موجود

هیچ پدیده‌ای بدون علت و اتفاقی نیست و برای حل هر مشکلی باید ریشه مشکل را یافت و آن را حل نمود. طبیعتاً مشکلات ساختمانی و تخلفات حادث شده در آن، در پیوند مستقیم با عوامل انسانی دخیل در آن است. بدیهی است که انسان‌ها بازیگران محاسبه‌گری باشند و اگر هزینه انجام کاری کمتر از منافع آن باشد، حدوث آن محتمل‌تر خواهد بود. آمارهای موجود و برخی مطالعات موردی، حاکی از این واقعیت است که حجم پرونده‌های تخلفات ساختمانی و به تبع آن تخلفات و جرایم مهندسی در تمام دنیا رو به افزایش است (روستای و همکاران، ۱۳۹۷؛ Wijesinghe & Jayawardane, 2020). شناسایی وضعیت تخلفات ساختمانی، آسیب‌ها و علل و انگیزه‌های وقوع آن می‌تواند نقش شگرفی در ارائه راهکارهای پیشگیرانه، کاهش و مدیریت صحیح و به هنگام تخلفات مهندسی داشته باشد.

۱-۱. عوامل مؤثر بر بروز تخلفات ساختمانی

بر اساس ادبیات موجود (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۵؛ پژوهان، و همکاران، ۱۳۹۳؛ رحیمی و پناد، ۱۳۹۵؛ زمانی، ۱۳۹۰؛ محمدی و میرزائی، ۱۳۹۴؛ Yao et al., 2021)، تصرف غیرقانونی زمین، عدم رعایت قوانین، ضوابط و استانداردهای ساختمانی و ادامه فرآیند طبیعی توسعه، گسترش فزاینده شهرنشینی، تغییر نیازهای اقتصادی و اجتماعی، نیاز به

مسکن و اشتغال، عدم کارایی قوانین، ضمانت‌های اجرایی ضعیف قوانین، سیاست‌های نامتعادل اصلاح زمین‌های شهری، توزیع ناعادلانه ثروت، میزان سواد و فرهنگ افراد، ضعف مدیریت، وابستگی مالی شهرداری‌ها به جریمه‌های ناشی از تخلفات و نهایتاً عدم توانایی دولت در پاسخ به نیازهای توسعه‌ای از علل گسترش تخلفات ساختمانی است.

به صورت خلاصه و منطبق بر نظر اکثر محققان که در باب تخلفات ساختمانی و مهندسی تحقیق نموده‌اند، علل اقتصادی یقیناً از مهمترین عوامل بروز تخلفات ساختمانی است. علل قانونی را باید دیگر عامل در رونق تخلف ساختمانی دانست. قوانین متعارض و منطبق بر نیازهای حاکمیت و نه نیازها و حقوق جامعه بیش از آنکه بازدارنده باشد، نقش محرک در قانون شکنی ایفا می‌کند. نبود مانعی مقتدر به همراه نظارتی دقیق بر این گونه تخلفات، به نحوی که بتوان به راحتی و با اندک دغدغه قوانین موجود را دور زد این پدیده را تشدید می‌نمود. مضافاً، روندهای سخنگیرانه و بروکراسی زمان‌بر و هزینه‌های بالای اخذ مجوز ساختمانی و سند مالکیت از جمله علل روی آوردن و ترجیح مالکین به احداث بنای غیررسمی یا غیر قانونی است. در حقیقت، تخلفات ساختمانی واکنش قابل پیش‌بینی شهروندان به ضوابط ساخت و ساز ناسازگار و عدم پاسخگویی مناسب به تقاضاهای مسکن و سایر ساخت و سازهای شهری است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که بحران‌های اقتصادی و بیکاری گسترده در ایران که اقتصاد آن بر محوریت اقدامات اجرایی حاکمیت است دولت را به سمت درآمدزایی از جرم یا تخلف هدایت می‌نماید، به این مفهوم که بتوان با اندک جریمه‌ای برخی اقدامات مجرمانه یا متخلفانه همانند اضافه بنا یا تغییر کاربری را انجام داد. به عبارتی دیگر امکان خرید و فروش جرم خود جرم‌زا بوده و از رفتارها و تصمیمات دولتی برای پوشش مشکلات اقتصادی-اجتماعی نشئت می‌گیرد. همچنین، بحران‌های ناشی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی، دولت‌ها را به سمت همزیستی با صاحبان سرمایه و گردانندگان صنعت ساخت سوق می‌دهد. از آنجا که در گذر زمان نقش و قدرت حاکمیت‌های ملی و محلی رو به افول است و امروزه شرکت‌ها و بخش خصوصی سردمداران توسعه در ملل مختلف به حساب می‌آیند، دولت‌ها در یک مصلحت‌اندیشی نمی‌خواهند به عنوان یک عامل بازدارنده برای بخش خصوصی اعمال

نفوذ نمایند و بر اساس همین دیدگاه سعی می‌نمایند حداقل در موضوعات مرتبط با گسترش و توسعه بخش صنعتی تسهیل‌گر باشند (داراب‌پور، میرکمالی، ۱۴۰۲).

در جدول ۱-۱ عمده علل بروز تخلفات و راه حل‌های پیشنهادی برای کاهش آنها از نگاه سایر محققان آورده شده است. به نظر می‌آید با توجه به علل ظهور تخلفات ساختمانی چهار عنصر قوانین، برنامه‌ریزی و فرایند تصویب و نظارت و ارزیابی و نهایتاً آموزش و فرهنگ‌سازی بتواند نقش بسزایی در کاهش تخلفات داشته باشد. به هر روی تا کنون قوانین و برنامه‌های تدوین شده شهری و توسعه‌ای اگرچه تا حدودی مفید بوده است لیکن اثربخشی و کارایی برانده‌ای نداشته است. باید اعتراف نمود در زمان حال، تخلفات ساختمانی و مهندسی به حدی گسترده شده است که اقدامات پیشگیرانه برای رسیدن به آرمان‌های صنعت ساختی ایدئال پاسخگوی مشکلات موجود نیست و باید تمهیداتی در جهت التیام بدنه بیمار ساخت و سازهای شهری و برون شهری در نظر گرفته شود.

جدول ۱-۱- علل وقوع و راهکارهای کاهش تخلفات ساختمانی (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۸).

علل تخلفات	راهکارهای پیشنهادی	
انگیزه کسب سود فردی و فرار از هزینه اخذ پروانه.	افزایش جریمه‌ها به عنوان اهرم بازدارندگی از تخلفات.	حوزه قوانین، مقررات و بخشنامه‌ها
نا کارآمدی قوانین با گذر زمان و تغییر الگوهای ساخت.	بازنگری در قوانین کمیسیون ماده ۱۰۰ بنا به الگوی تخلف.	
ضعف در اجرای آرای کمیسیون‌های ماده ۱۰۰.	۱. وضع مقررات کیفری با جرم شناختن تخلفات ساختمانی. ۲. تحدید اختیارات کمیسیون‌ها برای تعدیل مفاد قانون از طریق اعمال جرایم نقدی.	
عدم پاسخگویی قوانین حاکم بر صنعت ساخت با نیاز مردم.	تدوین ضوابط ساخت و ساز با توجه به شرایط هر منطقه.	
تفسیرگوناگون از قوانین، ضوابط و بخشنامه‌ها.	بازنگری قوانین ساخت و ساز شهری و آیین‌نامه‌های اجرایی.	
فرایند طولانی و زمان‌بر رسیدگی به تخلفات ساختمانی.	مکانیزه کردن سیستم کمیسیون ماده ۱۰۰ و کاهش بوروکراسی اداری در امر صدور پروانه.	

<p>تصویب قانون مسئولیت پذیری سازندگان خانه‌های نوساز.</p>	<p>ضعف قوانین موجود در باب مسئولیت پذیری سازندگان در مورد ایستایی، کارکرد و کیفیت اجزای مختلف ساختمان.</p>	
<p>تعیین جریمه با توجه به میزان تخلف، کاهش یا اصلاح قوانین دست و پا گیر.</p>	<p>عدم تناسب جرائم با میزان تخلف و وجود قوانین دست و پا گیر در خصوص مجوز مازاد و پیشروی.</p>	
<p>تصویب و اجرای ضوابط و مقررات پیشنهادی طرح تفصیلی برای قانونمند نمودن ساخت و سازهای شهری.</p>	<p>فرسودگی زمانی طرح‌های فرادست به عنوان مرجع قابل استناد در ضوابط ساخت و سازهای شهری (تعیین کاربریها).</p>	<p>حوزه برنامه ریزی</p>
<p>بوم گرایی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه ضوابط و مقررات با لحاظ نمودن بوم ساخت اکولوژیک شهر.</p>	<p>ارائه طرح‌های توسعه شهری و ضوابط شهرسازی یکسان برای شهرهای مختلف.</p>	
<p>تأکید بر طرح‌های راهبردی ساختاری و اجرایی نمودن ضوابط منعطف آن.</p>	<p>ضعف و نارسایی ضوابط و مقررات مربوط به کنترل ساخت و ساز در طرح‌های جامع.</p>	
<p>اجرای سیاست ناحیه محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت ساخت و ساز؛ انعطاف پذیری و ایجاد تنوع در الگوهای ساخت و ساز با توجه به شرایط هر منطقه؛ اجرای مدیریت واحد و پیوسته از مرحله پیشنهاد تا اجرا و ارزیابی.</p>	<p>انعطاف ناپذیری طرح‌ها و برنامه‌ها و عدم توجه کافی به امکانات و شرایط تحقق طرح‌ها.</p>	
<p>۱. ملزم نمودن واحد اجرائیات شهرداری و مهندسان ناظر به اجرای وظایف تدوین شده. ۲. برخورد قاطع با مهندسان ناظر متخلف. ۳. راه اندازی بانک فعالیت‌های ساختمانی و سوابق اجرایی مهندس ناظر. ۴. بازدید مستمر، دوره‌ای یا اتفاقی از نحوه نظارت. ۵. ارزش گذاری کیفی ساختمان‌ها و ارائه طرح‌های تشویقی و تنبیهی در قبال آن.</p>	<p>۱. نا کارآمدی نظارت شهرداری و مهندسان ناظر بر ساخت و سازها. ۲. نداشتن اطلاعات کافی از ضوابط ساخت و ساز. ۳. ناتوانی در مدیریت و نظارت ساختمان‌سازی به دلیل روند صعودی ساخت و سازها.</p>	

حوزه آموزش و فرهنگسازی	۱. میزان نا کافی دانش و معلومات در حوزه حقوق شهروندی از سوی مجریان، واحد اجراییات شهرداری، مهندسین ناظر. ۲. روش های سنتی ساخت و ساز و استفاده از کارگران غیرمتخصص و بدون مهارت لازم.	۱. تربیت نیروهای متخصص حقوق شهری. ۲. آموزش و اطلاع رسانی به شهروندان و گروه های دخیل در ساخت و ساز. ۳. برنامه های آموزشی برای سازندگان، ناظران و اعطای گواهی تخصصی نظارت فنی حرفه ای. ۴. اطلاع رسانی محله ای از پیامدهای تخلفات.
حوزه مدیریت	۱. فقدان مدیریت مجزا در چارت سازمانی شهرداری ها برای امور ساخت و ساز. ۲. منفعت طلبی سازمانی و تعدد نظام های تصمیم گیرنده و همسو نبودن تفکرات و عدم هماهنگی بین سازمانی. ۳. نقض آراء در محاکم قضایی. ۴. اجرای سیاست خودکفایی شهرداری و فقدان روش های جایگزین کسب درآمد پایدار. ۵. سوء استفاده مدیران از موقعیت خود و عدول از مقررات و ضوابط شهرسازی.	۱. ایجاد یک واحد مدیریت ساخت و ساز و کنترل ساختمان در چارت سازمانی شهرداری ها. ۲. ایجاد هماهنگی بین ارگان های مختلف، تعامل و همکاری و رسیدن به وحدت رویه بین مسئولان ذیربط (شهرداری و استانداری، دستگاه های نظارتی و نظام مهندسی، شورایاران، معتمدان محلی، مشارکت و همکاری شهروندان) ۳. هماهنگی دیوان عدالت اداری با آرای کمیسیون ها. ۴. مجازات مدیران متخلف.

۲-۱. آثار و تبعات تخلفات ساختمانی

پاسخ های یشنهادی در باب سیاست گذاری های پیشگیرانه و حتی سیاست های جنایی تنبیهی در جرایم و تخلفات باید متناسب با آثار آن باشد. پر واضح است که تخلفات ساختمانی، آثار اجتماعی مخرب داشته و برای بافت های شهری آسیبی جدی به حساب آید و جایگاه صنف مهندسی را متزلزل سازد. از سویی دیگر، هر تخلف یا جرمی در صنعت ساخت چندین اثر جانبی و غیرمستقیم هم به همراه خود خواهد آورد و اهداف کلان توسعه شهری و جایگاه مهندسی را در ابعاد گوناگونی در معرض خطر قرار خواهد داد. عمده ترین آسیب های ناشی از وقوع تخلفات ساختمانی، را می توان به قرار ذیل تقسیم نمود:

۱. **مؤثر در محیط اجتماعی:** عمده ترین وجه اثر اجتماعی تخلفات ساختمانی تغییر برنامه ریزی نشده سرانه های شهری و تضعیف خدمات دهی به مناطق است. در برنامه های

تفصیلی شهری بر اساس توزیع جمعیت و شرایط اقلیمی، جغرافیایی و حتی فرهنگی نیاز سنجی می‌گردد و برنامه‌هایی نیز متناسب با همان ساختار جمعیتی و ویژگی‌های آنان تدوین می‌گردد. افزایش تراکم جمعیتی در یک منطقه خاص ارائه خدمات شهری لازم و کافی را عملاً مختل می‌سازد. از سویی دیگر این تخلفات توسعه حاشیه نشینی و رشد افقی شهر و معضلات خاص خود را به همراه دارد. ناهمگونی ایجاد شده نیز نهایتاً نظارت شهری و کنترل اجتماعی را با چالش مواجه خواهد ساخت. بر همین مبنا پاسخ به این گونه تخلفات باید به گونه‌ای باشد که خسارات وارد شده به کالبد شهری و فراهم آوردن پشتوانه‌های مازاد لازم جبران نشده باقی نماند.

۲. مؤثر در نظام کاربری فضاهای شهری، نظام حرکت و دسترسی: تخلفات تغییر

کاربری که غالباً با تغییر از کاربری فضای سبز، کشاورزی و خدماتی به مسکونی و کاربری مسکونی به کاربری تجاری و اداری یا صنعتی و برعکس گزارش می‌شوند، عمده ترین اثر را در تغییر کاربری فضاهای شهری دارند. تأسیسات و شوارع شهری متناسب با کاربرد منطقه تعیین می‌شود و طبیعتاً نمی‌تواند پاسخ گوی این گونه تغییرات باشد. در حقیقت برخی تخلفات تعرض به قوانین بالادستی از جمله برنامه‌های جامع، توسعه‌ای و تفصیلی است، که توسط مقنن و نهادهای عمومی تعیین شده است. همچنین، تغییر پیش‌بینی نشده و غیرمجاز در نوع استفاده از ساختمان‌های شهری، با برهم زدن تعادل شهری، موجب اغتشاش در نظام دسترسی و افزایش بار ترافیک در محورهای منتهی به این محدوده‌ها خواهد شد. طبیعتاً خدمات دهی در این مواقع با چالشی جدی مواجه خواهد شد. در این موارد خود حاکمیت در معرض اتهام بی‌کفایتی خواهد بود زیرا اقدام بازدارنده متناسب و به موقعی انجام نداده است.

۳. مؤثر در نظام تأسیسات و تجهیزات شهری، فرم کالبدی و مسائل محیطی: از دیگر

آثار تخلفات شهری و ساختمانی منتج به عدم تعادل و توازن شهری، کمبود خدمات و زیرساخت‌ها و در نتیجه فقر دسترسی به کاربری‌ها و تسهیلات مورد نیاز جمعیت شهری است. همچنین، تخلفات ساختمانی باعث تغییر کیفیت‌های فضایی، محیطی، عملکردی با تغییر سرانه‌ها، بالا رفتن میزان محصوریت، ناهمگونی در خط آسمان، کاهش کیفیت بصری و عملکردی جداره‌ها، اغتشاشات بصری و غیره می‌شود. مضافاً، مسائلی نظیر آلودگی‌های هوایی و صوتی، افزایش مصرف انرژی، تخریب کاربری‌های فضای سبز و زمین‌های کشاورزی

و غیره از دیگر تبعات تخلفات ساختمانی در این مورد است. عدم دسترسی به امکانات شهری موقعیت منطقه‌ای بخش محروم از این امکانات را دستخوش تغییرات ناسالم می‌نماید. بدین صورت که آن منطقه به عنوان منطقه‌ای محروم شناسایی شده و به مرور زمان و بر اساس آموزه‌های جرم‌شناسی آن منطقه پتانسیل تبدیل شدن به منطقه‌ای جرم خیز را خواهد داشت.

۴. کاهش ایمنی و امنیت؛ بی‌توجهی به مقررات و استانداردهای ساختمانی و مهندسی و آیین‌نامه ۲۸۰۰ و نادیده انگاشتن مباحث ۲۱ گانه مقررات ملی ساختمان در ارتباط با تأسیسات و تجهیزات، بهداشت محیطی، مقاومت مصالح، اصول استحکام بنا و اصول پدافند غیرعامل که منتج به کاهش قابلیت اعتماد به سازه و خطرات ایمنی و امنیتی می‌گردد، از دیگر آسیب‌های قابل ذکر تخلفات مربوط به ساخت وسازهای شهری هستند (لاله پور و همکاران، ۱۳۹۸). جدای از ایمنی ساختمان‌های ایجاد شده، امنیت اجتماعی فضاهای شهری و ساکنان آن نیز باید مدنظر باشد. زیرا در این گونه فضاها، خدمات انتظامی، پلیسی و نظارتی متناسب با جمعیت و شرایط ساکنین نخواهد بود.

۵. بی‌اعتبار شدن برنامه‌ریزی‌ها، تصمیمات و قوانین؛ تخریب‌های فرهنگی و اجتماعی و رسوب افکار بی‌اعتنایی به قانون در بین شهروندان از دیگر معضلات ناشی از گسترش تخلفات ساختمانی و مهندسی است. افزایش تخلفات ساختمانی نتیجه گسترش فرهنگ قانون شکنی است. شخص متخلف به جز اینکه خود مسیر تخلف کردن را به خوبی آموخته و احتمالاً این امر را تکرار خواهد نمود، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اندیشه قانون شکنی و بی‌اعتباری قوانین را به سایرین القا خواهد نمود و دیگر سازندگان نیز تخلف کردن را از وی خواهند آموخت. باید پذیرفت که تخلفات و جرایم مهندسی آثار کوتاه مدت و بلند مدتی دارند که می‌تواند چندین نسل بعد از خود را با چالش‌های جدی مواجه کند و اعتبار و حیثیت حاکمیت را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۶. رشد و ایجاد منطقه‌های جرم خیز؛ مطالعات آماری در کنار آموزه‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد میزان جرایم در مناطقی که بدون برنامه ایجاد می‌شوند به ویژه مناطق حاشیه بیشتر از سایر مناطق شهری است، زیرا زیرساخت‌های رفاهی، بهداشتی، آموزشی و امنیتی در این مناطق پیش‌بینی نشده است. بعضاً، افرادی که به این مناطق روی می‌آورند مهاجران، مجرمان، معتادان و افراد طرد شده از جامعه و یا بی‌بضاعت هستند. خُرده فرهنگ‌ها و

رفتارهای فاسد به سرعت در این مناطق رشد می‌کند و طبیعتاً، نسبت افراد هنجار شکن به افراد سالم در این مناطق در مقایسه با سایر فضاهای شهری بالاتر است. به عبارت دیگر نوع کالبد یک منطقه می‌تواند در افزایش جرم و ایجاد خُرده فرهنگ‌های مجرمانه مؤثر باشد.

۲. پاسخ‌های پیشنهادی با توجه به علل بروز تخلفات و جرایم مهندسی از

منظر جامعه‌شناسی جنایی

علوم جنایی (جزایی یا کیفری) علمی است که هر یک از زوایای خاص جرم و انگاره‌های مرتبط با آن را بررسی می‌کند. در یک تقسیم‌بندی کلی، علوم جنایی به سه دسته علوم جنایی حقوقی، پیرا حقوقی و تلفیقی تقسیم می‌شود. جامعه‌شناسی جنایی، شاخه‌ای از علوم جنایی پیرا حقوقی تفسیری و همچنین شاخه‌ای از جرم‌شناسی تخصصی به حساب می‌آید، که تمرکز اصلی آن بر علت‌شناسی بزهکار شدن فرد در بستر محیط است. به بیانی دقیق‌تر، جامعه‌شناسی جنایی، مطالعه محیط و بررسی تأثیر آن بر افراد در راستای ارتکاب جرم، تحلیل داده‌ها و نظریه پردازی است (نیازپور، ۱۴۰۰: ۱۸). در این تحقیق پیشنهادات پیشگیرانه تنها از دریچه علل جامعه‌شناختی جنایی و مطالعه در ادبیات آن مد نظر بوده است و برای تکمیل و توسعه این پیشنهادات، قطعاً نیازمند تحقیقات دیگری در حوزه‌هایی متفاوت نیز هستیم.

بی‌شک هر فردی کم و بیش پتانسیل‌های بزهکار شدن را دارد و صرفاً ظرفیت افراد در این باب بسته به عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و فیزیولوژیکی متفاوت است. در حقیقت، این شرایط و اوضاع و احوال درونی و پیرامونی است که کاسه صبر و مقاومت افراد برای عدم ارتکاب بزه را در هم خواهد شکست. لذا سیاست‌های پیشگیرانه باید به گونه‌ای تدوین شود که افراد عادی با پتانسیل کم یا متوسط بزهکاری هرگز به آستانه شکست نرسند و برای مجرمان بالقوه و خطرناک تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده شود. در ادامه با توجه به برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی، پاسخ‌های پیشنهادی برای تبیین سیاست‌های جنایی پیشگیرانه ارائه می‌گردد.

۲-۱. پاسخ‌ها بر اساس نظریه‌های اقتصاد محور

تقریباً هفت درصد از نیروی کار جهانی در عرصه ساخت مشغول به فعالیت هستند (Werdmuller, 2016). بی‌تردید، صنعت ساخت در تمام جوامع بستر بسیاری از فرصت‌ها و ابزارهای فعالیت‌های مجرمانه و انواع بزه‌ها را فراهم آورده است (Van De Bunt, 2010; Lillie, 2012; Ganji, 2016; Reeves-Latour and Morselli, 2017). به‌گونه‌ای که بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار^۱، از ۱۵۰ میلیارد دلار سود سالانه استثمرات اقتصادی اجباری در سراسر جهان، ۳۴ میلیارد دلار (۲۳ درصد) در ارتباط مستقیم با صنعت ساخت است (ILO, 2014). نظر به آمارهای موجود مشخص است که صنعت ساخت با گردش‌های مالی کلانی گره خورده است و بدین جهت عامل اقتصادی، در تمام مناسبت‌های صنعت ساخت باید مورد توجه باشد.

در منظومه فکری کارل مارکس جرم یک پدیده فردی نیست بلکه یک واقعیت اجتماعی-اقتصادی است (Chambliss et al., 2000). مارکس به تمام مناسبت‌های اجتماعی از منظر اقتصاد می‌نگریست. به اعتقاد وی و پیروان او، عموم کارکردهای اجتماعی مبتنی بر تداوم مناسبت‌های اقتصادی است و بزه ریشه در عواملی اقتصادی مانند، نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری، تضاد طبقاتی، محرومیت، فقر و نرخ تورم دارد (نوغانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۵-۱۰۲).

در عموم جوامع و به ویژه صنعت ساخت، تلاش برای بقای اقتصادی برای اشخاص فاقد سرمایه، و آمال صاحب سرمایه برای سود بیشتر قطعاً یکی از عوامل کلیدی در بروز انحرافات در صنعت ساخت بوده و هست (Kankaanranta & Mutttilainen, 2010). از طرفی حاکمیت فعلی به جهت دارا نبودن زیرساخت‌های اقتصادی مناسب و از بین بردن سرمایه‌های خود در امور غیر سازنده، بدون آنکه سرمایه لازم برای راه اندازی پروژه‌های عمرانی خود را داشته یا برای آن برنامه ریزی دقیقی انجام داده باشد، فقط به تعریف پروژه‌های عمرانی بسنده نموده است و گام‌های عملیاتی و اجرایی او در اکثر پروژه‌های عمرانی دیده نمی‌شود. به جهت سیاست‌های غلط حاکمیتی، به مرور زمان بودجه تخصیص داده شده برای پروژه‌های عمرانی با توجه به کاهش شدید ارزش پول سیر نزولی چشم‌گیری داشت و بسیاری از پروژه‌های قبلی

¹. International Labour Organization (ILO)

نیز ناتمام ماند یا قبل از بهره‌برداری از بین رفته است. با این توضیح در سال‌های اخیر نوعی تقاضای صوری در بازار مهندسی شکل گرفته است و چیزی از جانب مشتری مهندسان برای تقاضا وجود ندارد. تلاش دولت برای ساخت و ساز در جامه مسکن ارزان و رونق صنعت ساخت هم نوعی تلاش تبلیغاتی پوچ به نظر می‌رسد زیرا پول و سرمایه‌ای برای راه اندازی آن وجود ندارد. بنابراین، در واقعیت موجود مشتریان چندانی برای جامعه مهندسی وجود ندارد و به تبع آن بازار کار محدودی نسبت به سال‌های گذشته برای جامعه مهندسی متصور است. به عبارت دقیق‌تر گردش مالی یا سرمایه‌گذاری در صنعت ساخت رو به افول است و به ناچار مهندسان آرام آرام از عرصه مهندسی کوچ خواهند کرد و به امور دیگری (در صورت وجود) روی خواهند آورد. آنان که سال‌ها زندگی خود را صرف امور مهندسی نموده‌اند و هنر مهندسی را پیشه خود قرار داده‌اند و توان خروج از آن را ندارند، در بازار شدیداً رقابتی فعلی به ناچار به حداقل‌ها و یا حتی کمتر از آن برای بقا بسنده می‌کنند. مضافاً، با توجه به هجوم خیل عظیمی از جوانان برای ورود به صنف مهندسی به ویژه پس از جنگ ۸ ساله و دوره‌ای موسوم به سازندگی و به ویژه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمسی با این تفکر که رشته‌های مهندسی دارای بازارهای کاری مناسبی هستند و همچنین پذیرش افسار گسیخته دانشجویان مهندسی در دانشگاه‌ها و به ویژه مراکز غیردولتی حجم عرضه و تقاضا در بازار کار مهندسی تعادل خود را از دست داد. این عدم تعادل در بازار نهایتاً مهندسان را به نیروی کار ارزان تبدیل نمود و فقر در جامعه نخبه مهندسی را رواج داد. ناگفته پیداست که فقر در هر جامعه‌ای به گفته مارکس عاملی جرماً به حساب می‌آید.

از طرفی در خدماتی مانند امور نظارتی حق الزحمه مهندسان میزانی مشخص و بسیار ناچیز است که مستقیماً توسط کارفرمایان پرداخت نمی‌شود و نهادهای عمومی مانند سازمان نظام مهندسی متولی این امر هستند. اگرچه قطع رابطه مالی مهندسان ناظر و کارفرمایان امری صحیح و پسندیده است، لیکن عدم رعایت توازن میان خدمات ارائه شده در کنار تقاضای محدود در بازار کار و دستمزد پرداختی ناچیز، برخی مهندسان را به سمتی سوق می‌دهد که برای برآورده کردن نیازهای مالی خود روابط اقتصادی خارج از چارچوب قانونی با صاحبان سرمایه برقرار کنند. لذا در گام اول می‌بایست میزان دستمزد مهندسان، به ویژه در مواردی که از جانب نهادی عمومی پرداخت می‌گردد، میزان معقول و مناسبی باشد. ثانیاً قوانینی باید

وضع گردد تا صاحبان سرمایه نتوانند نیروی کار مهندسی را با حداقل حقوق استثمار نمایند. به بیان دیگر، زمانی که شخص حقیقی یا حقوقی بخواهد مهندسی را استخدام یا جذب کند میزان حق الزحمه وی باید تابع مجموعه ضوابط حمایتی مدونی باشد. بدین معنا که با توجه به سابقه کاری، مهارت، میزان تحصیلات و سایر شاخصه‌ها برای مهندسان حداقل حقوقی به عنوان یک ضابطه غیر قابل تخطی و آمرانه تعیین گردد تا مهندسان مورد سوء استفاده صاحبان سرمایه قرار نگیرند.

۲-۲- پاسخ‌ها بر اساس نظریه‌های معاشرت‌های ترجیحی

ادوین ساترلند معتقد بود جرم جنبه ذاتی نداشته و باید ریشه آن را در محیط جستجو نمود. به اعتقاد وی، فرد توانایی آموزش دیدن دارد و به همین سبب استعداد تأثیر پذیری از یک الگوی خاص را داراست. بر همین مبنا، فرد در تعامل با محیط، بزهکاری را فرا می‌گیرد. لذا، چنانچه فردی با پتانسیل بزهکاری، در یک فضای کاری خاص قرار گیرد که از جنبه کمی، زمان تعامل کافی را دارا بوده و از نظر کیفی، پیوستگی عاطفی و صمیمیت لازم را برقرار کند، به گروه تعلق خاطر یافته و این پیوستگی و پذیرش اندیشه‌های گروهی نهایتاً او را به اهداف گروه علاقمند و چه بسا پایبند می‌گرداند و شخص در تعامل با گروه بزه، نحوه ارتکاب و فنون و شیوه‌های انجام جرم را فرا خواهد گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۴). در برخی فضاهای مهندسی جهت‌گیری خاصی نسبت به قانون وجود دارد و آن را ناعادلانه می‌دانند، همین تفکر به نسل بعدی نیز آموزش داده می‌شود، طبیعتاً همین خوانش از قانون در شخص به مرور زمان نهادینه می‌شود. فرد نیز چنانچه در نهان خود اولویت‌های محیطی را بر دیگر مؤلفه‌های اجتماعی برتری دهد، احتمال شکل‌گیری شخصی قانون ستیز و با پتانسیل بالایی برای ارتکاب جرم وجود دارد.

مهندس جوانی که وارد فضای جدی کار می‌شود از همان بدو ورود متوجه موانع قانونی و غیر قانونی زیادی برای پیشرفت و دستیابی به اهداف خود و پروژه می‌شود و خواه ناخواه شعله قانون ستیزی در وی فروزان می‌گردد. لذا، اولاً قانون باید به نحوی تنظیم گردد که رسیدن به اهداف گروهی با تلاشی متعارف قابل حصول باشد. ثانیاً، فرهنگ‌سازی و آموزش‌های مستمر گروهی جامعه مهندسی باید در سیاست‌گذاری‌ها گنجانده شود. البته، این آموزش مختص گروه جوان یا کارآموزان نیست و کل گروه مهندسی باید آموزش ببیند.

ثالثاً، تعارض منافع گروه مهندسی و صاحب سرمایه باید مرتفع گردد تا گروه‌های مهندسی سازگار با هنجارهای اجتماعی تشکیل گردد. به بیان دیگر، این اندیشه که قانون ناعادلانه و بر خلاف منافع گروه مهندسی است باید زدوده شود. رابعاً، شاید مؤثرترین گروه‌ها در شکل‌گیری شخصیت قانون‌ستیز برای مهندسان اولین گروه کاری آنان باشد لذا، سیاست‌های پیشگیرانه باید به نحوی باشد که اولین برخوردهای کاری در گروه‌های لطیف‌تر مهندسی و ترجیحاً در محیط درون شهری صورت پذیرد. به عبارتی دوره کارآموزی پس از فراغت از تحصیل برای آنان که قصد ورود به عرصه مهندسی را دارند باید اجباری و تحت نظارت و آموزش‌های دوره‌ای باشد. تا مهندسان در عمل اصول اخلاقی و حرفه‌ای را فراگیرند.

۳-۲. نظریه‌های فشار

اهداف و آرزوها از یک سو و فقدان وسایل و ابزار برای دستیابی قانونی با تلاشی متعارف به آنها از سوی دیگر، زمینه‌های وقوع جرم را تشکیل می‌دهد. مرتون و سایر نظریه پردازان نظریه‌های فشار معتقد بودند انواع فشارهای وارده بر افراد از عوامل کلیدی در ارتکاب جرم است (ابتکاری و احمدی، ۱۳۹۸). البته در اینکه این فشار از جنس اقتصادی یا خشم، ترس، افسردگی، منزلت اجتماعی و سایر موارد است، نظریات افتراقی دیگری از نظریه فشار ابتدایی پدیدار شده‌اند. به هر جهت، فشار اقتصادی در نظریه فشار رابرت مرتون جلوه بیشتری در دنیای مهندسی دارد که به نوعی هم‌راستا با نظریات مارکس است. به اعتقاد مرتون جوامع منسجم، بین ساختار اجتماعی (وسیله‌های اجتماعی تأیید شده) و فرهنگ (آرمان‌های تعیین شده) توازن برقرار می‌نماید. بی‌هنجاری، نوعی عدم انسجام جامعه است، که بر اثر انفکاک میان اهداف فرهنگی ارزش داده شده، و وسیله‌های اجتماعی مشروع برای نیل به آن اهداف ایجاد می‌شود (کریستین و آگرز، ۱۳۹۰).

متأسفانه فرهنگ عمومی حاکم در کشور آن است که علم ابزار مناسبی برای درآمدزایی نیست. به دیگر سخن، رابطه جای ضابطه، پول جای علم و تخلف جای صداقت، را به عنوان ابزارهای دستیابی به اهداف گرفته‌اند. این اندیشه سرطان گونه علاوه بر آنکه کل جامعه را دستخوش نوعی بی‌اخلاقی نموده، در دنیای مهندسی نیز ورود کرده و نمود بیشتری دارد. زمانی که خیل عظیمی از افراد جامعه مجهز به ابزار مهندسی به عنوان وسیله دستیابی به

اهداف باشند طبیعتاً ارزش این ابزار نیز کاهش می‌یابد و مهندسان به دنبال ابزار جایگزین برای رسیدن به اهداف خود خواهند بود.

با توجه به شرایط حاکم در جامعه، حفظ شأن و منزلت مهندسی و بازگرداندن جایگاه درخور پیشین آن به عنوان ابزاری کارا برای نیل به اهداف اقتصادی و اجتماعی مهندسان امری است که به سختی قابل حصول است. به عبارتی تا زمانی که منابع اقتصادی محدود باشد و افراد کثیری از جامعه بخواهند با یک ابزار واحد اهداف خود را در چارچوب منابع موجود برآورده کننده سهم ناچیزی از یک اقتصادی پروژه‌های عمرانی به افراد خواهد رسید. مگر آنکه شاهد رشد اقتصادی و افزایش پروژه‌های عمرانی باشیم یا به نحوی تعداد صاحبان ابزار مهندسی کاهش یابند. البته در شرایط فعلی کشور، هر دو این موارد دور از ذهن است. البته این امر قابل پیش بینی است که با کم شدن چشمگیر علاقه مندان به دریافت مدرک مهندسی پس از ۲ یا ۳ دهه با بحران فقدان متخصص مهندسی مواجه خواهیم بود و مجدداً مهندسی به عنوان ابزار درآمدزا مورد توجه خواهد بود. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی حمایت‌های قانونی به منظور ارج نهادن به فعالیت‌های مهندسی ضروری باشد در غیر این صورت در بازار رقابتی امروز که با رکود اقتصادی شدید مواجه است و وجود پروژه‌های عمرانی راکد و عدم تعریف پروژه‌های جدید چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، مهندسان چاره‌ای جز تمسک به ابزارهای دیگر برای نیل به اهداف خود نخواهند داشت.

۲-۴. نظریه‌های انتقادی

بر خلاف نظریه‌های کلاسیک و متعارف جامعه‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی انتقادی یا رادیکال، بر مبنای اثر مسائل ساختاری، حاکمیتی و قوانین در سطح جامعه بر بزهکار شدن افراد شکل گرفته است. در دیدگاه انتقادی قانون، سیاست‌ها و هنجارهای حاکم بر جوامع مورد توجه است. در نظریات انتقادی، برخلاف دیدگاه‌های گذشته که پیش فرض محققان و نظریه پردازان بر بی‌نقص و عادلانه بودن قوانین پایه گذاری شده بود، این تلنگر بر سیاست‌ها و قانون‌گذاری وارد شد که آیا واقعاً قانون بدون ایراد است؟ در واقع، نظریه پردازان انتقادی، استقلال و بی‌طرفی حقوق و قانون را به چالش کشیده و باطن هرگونه استدلالی را در حقوق سیاسی جستجو می‌کنند. این افراد معتقد هستند که حقوق رشته‌ای مجزا و

مجموعه‌ای معین از قوانین و مقررات ثابت و قطعی نیست؛ بلکه، ترکیبی غیرقطعی، مبهم و ناپایدار از ساختارها و قواعدی است که به بسط و بازتولید قدرت سیاسی و اقتصادی موجود و نه انعکاس عقلانیت و عدالت می‌پردازد (رستمی‌تبریزی و محتشمی، ۱۳۹۲).

در منظومه فکری نظریه پردازان انتقادی، قانون تقدسی غیرقابل خدشه ندارد و پیروی بی‌چون و چرا و محض از قوانین و کامل، صحیح و بی‌نقص دانستن آن، یک سوء تفاهم بزرگ در نظام حکمرانی است، در حالی که یکی از اصول بنیادین حاکمیت قانون این است که به محض اینکه خود قانون در تعارض با حقوق مردم قرار گرفت باید هم‌نوا با نیاز و خواست جامعه تغییر نماید نه آنکه مردم تابع آن قانون باشند. امروزه حتی افرادی که مبلغ و تصویب‌کننده برخی قوانین هستند خود از پیشگامان نقض آن قوانین به حساب می‌آیند زیرا با نیازهای طبیعی و قانونی آن‌ها و جامعه ناسازگار و در تناقض است.

به نظر می‌آید این نظرات در پهنه مهندسی کاملاً کاربردی باشد، زیرا با توجه به شرایط آمره قانونی در قراردادهای دولتی کفه ترازوی عدالت به سمت دولت و حاکمیت سنگینی کند و حقوق مهندسان به صورت کاملاً ملموسی نادیده گرفته شده است. در حقیقت قانون خود مروج بی‌عدالتی نسبت به مهندسان است و حمایت‌های لازم را از این صنف به عمل نمی‌آورد. بر همین مبنا لاجرم مقنن و صاحبان قدرت باید انعطافی منصفانه از خود به نمایش گذارند. بدین جهت پیشنهاد می‌گردد، شرایط قراردادی که تحت عنوان قراردادهای همسان از طریق سازمان برنامه و بودجه تدوین می‌گردد همگام با شرایط قراردادهای پیشنهادی بین‌المللی نظیر شرایط همسان قراردادی فیدیک تعدیل و به روز گردد.

در ادبیات جرم‌شناسی غرب بررسی عوامل جرم‌زای صنعت ساخت با تکیه بر نقش دولت‌ها، به صورت بارزتری مورد توجه بوده است، که می‌تواند با توجه به شباهت‌های متعدد مشکلات و عوامل جرم‌زا در صنعت ساخت در نقاط مختلف جهان، جدای از نظام حقوقی حاکم بر هر کشور نمایان‌گر مفاهیم و علل مشابه در ظهور پدیده‌های مجرمانه باشد. البته، هر نظام حقوقی و سیاسی با توجه به پتانسیل‌ها، نیازها و اهداف خود با توجه به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی کشور و همچنین علاقه دولت برای دخالت در تمام امور یا واگذاری این نقش‌ها به شرکت‌ها و سایر مراکز قدرت به شیوه‌های بعضاً متفاوتی در تقویت یا تضعیف عوامل جرم‌زا نقش‌آفرینی می‌نماید. لیکن، آنچه از منظر جرم‌شناختی واجد اهمیت

است، ساختار جرم‌زای منتج از تصمیمات و توافقات حاکمیتی است که در تمام نظام‌ها کم و بیش و به صورت مختلف قابل رؤیت است (Davies, 2021).

۵-۲. پاسخ‌ها بر اساس نظریه‌های خرد محور

مجرمان آگاه به ویژه مجرمان نخبه جامعه بر خلاف تصورات عمومی گذشته افراد منفعل، مطرود و مجبور نیستند بلکه در تقابل با این اندیشه افرادی، انتخابگر، حسابگر، اجتماعی و فعال هستند، که شیوه مجرمانه برای اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی خود انتخاب نموده‌اند. مهندسان در رفتار مجرمانه یا متخلفانه خود دو دیدگاه دارند دیدگاه اول آن است که بین منافع و مضرات جرم سبک سنگین می‌کنند و با پذیرش عواقب احتمالی جرم یا تخلف در یک تصمیم‌گیری استراتژیک و مبتنی بر عقلانیت نسبی مرتکب جرم می‌شوند. در اندیشه دوم، مهندس رفتار خود را جرم نمی‌داند و اتفاقاً آن را امری مشروع و پسندیده می‌پندارد و برای آن استدلال‌های ظاهراً منطقی دارند. در هر دو گونه رفتاری بزهکاران از قواعد مشابه با قواعد مربوط به رفتارهای اجتماعی متعارف تبعیت می‌کنند.

در نظریه‌های خردمحور نظریه ارائه شده توسط دیوید ماتزا، تحت عنوان فنون خنثی‌سازی یا درون فهمی کج رفتاری در جرایم مهندسی جایگاه بسیار بالایی دارد و به جرئت می‌توان گفت اکثر رفتارهای بزهکارانه مهندسی همراه با یک توجیه ظاهراً عقلانی و چه بسا انسان دوستانه است. بنای نظریه فنون خنثی‌سازی مبتنی بر این نظر است که فراگیری بزهکاری، ملازمه با یادگیری شیوه‌های خنثی‌سازی کنترل اجتماعی درونی و بیرونی دارد. بزهکار می‌تواند هنجارهای اجتماعی را نقض کند در عین اینکه به آنها اعتقاد داشته و برای ارزش‌های اجتماعی اعتبار قائل است، هنجارشکنی خاصی را برای خود بی اعتبار جلوه داده و دور بزند (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸) فنون خنثی‌سازی بیانگر ۵ فن توجیهی انکار مسئولیت، انکار خسارت، انکار بزه دیده و محکوم کردن نهادهای اجرایی عدالت کیفری یا وضع کننده قوانین و نهایتاً وفاداری به گروه، تیم یا هم قطاران است.

برای مثال برخی مهندسان که در امور مربوط به طراحی سازه‌ای یا اجرا فعالیت دارند استانداردها و آیین‌نامه‌های فنی را صحیح نمی‌دانند و در اندیشه خود آنها را بیش از حد محتاطانه و غیراقتصادی قلمداد می‌کنند و اتفاقاً برای اقدامات خود و نادیده گرفتن

استانداردهای مهندسی استدلال‌های علمی ارائه می‌دهند و بدین جهت برخی ضوابط را به راحتی نادیده می‌گیرند. مثال دیگر زمانی است که یک پیمانکار خود را توانمند و محق‌تر از سایرین برای برنده شدن در مناقصه می‌داند و بدین جهت ارتکاب جرم یا تخلف در فرایند مناقصه را بدین گونه توجیه می‌نماید و یا این گونه بیان می‌کنند که سایر رقیبان که در مناقصه برنده نشده‌اند چیزی از دست نداده‌اند! به صورت خلاصه می‌توان گفت نظریه فنون خنثی‌سازی مبتنی بر نوعی توجیه است که مهندسان و سایر افراد برای ارتکاب جرم می‌آورند و بدین گونه وجدان خود را در مقابل رفتارهای بزهکارانه آرام و متقاعد می‌سازند.

نتیجه گیری

عوامل ناشناخته و شناخته شده درونی و بیرونی متنوعی موجب بروز تخلفات و جرایم در صنعت ساخت را فراهم می‌آورند. به طور قطع، در تمام جوامع، عامل اقتصادی و فشارهای مختلف اجتماعی و محیطی موجود، بر اساس نظریات مارکس و مرتون از اصلی‌ترین علل بروز جرم یا تخلف در صنعت ساخت هستند. لذا یکی از پاسخ‌های معقول و منطقی برای کاهش انحرافات در دنیای مهندسی توجه به این مقولات است. در بازار فعلی مهندسی کشور و حتی در کشورهای توسعه‌یافته میان تقاضا یا به عبارتی دیگر، مشتریان خدمات مهندسی و افراد آمده عرضه خدمات تعادلی وجود ندارد و تقاضا برای خدمات مهندسی هر ساله رو به کاهش است. بدون شک رکود اقتصادی و تورم افسار گسیخته سبب شده است تا بودجه لازم به پروژه‌های عمرانی تخصیص داده نشود و حاکمیت نیز به واسطه نبود زیرساخت‌های اقتصادی لازم نتواند بازار کار درخوری برای جامعه مهندسان فراهم کند. از طرف دیگر، تعداد کثیری از فعالان بخش خصوصی پس از دوران طلایی سود دهی بازار مسکن و یورش سرمایه داران برای سرمایه گذاری در این حوزه، آرام آرام به سوی ورشکستگی قدم برمی‌دارند و یا سرمایه خود را در امور تجاری و خدماتی دیگری به جز صنعت ساخت صرف می‌نمایند و علاقه‌ای برای تعریف پروژه‌های مهندسی جدید یا امکان استمرار پروژه‌های مهندسی پیشین خود را ندارند. ساختمان‌های نیمه کاره شهری، آزادراه‌ها و صدها پروژه مسکوت موجود فعلی دلیلی بر این ادعاست. با توجه به کثرت مهندسان و نیروی کار حوزه ساخت در بیشتر جوامع و حتی کشورهای توسعه یافته مانند بریتانیا و ایالات متحده لاجرم برخی مهندسان برای بقا در حوزه مهندسی مجبورند دستمزدهای ناچیز را بپذیرند و از طرق و ابزار دیگر قانونی و غیرقانونی امرار معاش نمایند. یکی از پاسخ‌هایی که مهندسان برای این مشکلات در نظر می‌گیرند مهاجرت به نفاطی با بازار کار مناسب‌تر است که تنها معطوف به ایران نیست. وانگهی، با صنعتی شدن جوامع و کاهش نیاز به نیروی کار شانس یافتن درآمدی معقول برای عموم مهندسان مشکل‌تر از سابق شده است، کما آنکه در بریتانیا بسیاری از فعالان عرصه ساخت شرایط اقتصادی منصفانه‌ای ندارند و از خدماتی نظیر بیمه محروم هستند. مضافاً با گسترش خصوصی‌سازی در سطح بین‌المللی دولت‌ها نسبت به گذشته در عرصه ساخت تمایل کمتری برای سرمایه گذاری از خود نشان می‌دهند و این امر را به صورت ملموسی به بخش خصوصی واگذار

کرده‌اند. واگذاری این مسئولیت‌ها به بخش خصوصی و کم رنگ شدن نظارت نهادهای عمومی از دیگر عوامل جرم‌زای صنعت ساخت است.

تحقیقات مختلف در عرصه‌های مهندسی داخلی و بین‌المللی، صنعت ساخت را واجد پتانسیل‌های شگرفی برای ارتکاب جرم و کسب سودهای مالی خارج از ضابطه معرفی می‌کنند. این تحقیقات صراحتاً اذعان دارند که شرایط کاری در صنعت ساخت در مقایسه با سایر مشاغل، بسیار آشفته و بحرانی است و وخامت آن نسبت به گذشته ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. اگر مهندسان در تنگنای شدید مالی قرار گیرند کما آنکه اکنون بسیاری از آنها در شرایط بحران زده‌ای هستند، بروز رفتارهای متخلفانه یا مجرمانه نوعی واکنش طبیعی و قابل پیش‌بینی است. بر همین مبنا فعالیت‌های مهندسی باید به نحوی مورد حمایت قانونی قرار گیرد تا حداقل‌های لازم اقتصادی برای مهندسان در نظر گرفته شود. بدین معنا که ضابطه‌ای آمرانه، منصفانه و با حفظ شأن مهندسی، برای انواع اқشار مهندسی تعیین گردد، تا حداقل دستمزد مهندسان با توجه به تجربیات، نوع کار، تحصیلات و سایر شاخص‌های فنی تضمین گردد، تا این گروه مورد سوء استفاده کارفرمایان و صاحبان سرمایه قرار نگیرند.

از سوی دیگر، مهندسان افرادی باهوش، با استعداد فراگیری بالایی هستند. لیکن، در سطح دانشگاهی بسیاری از اصول اخلاقی و حرفه‌ای به دانشجویان آموزش داده نمی‌شود که از ضعف‌های نظام آموزش دانشگاهی داخلی است. لیکن، در سطح بین‌المللی تدریس حقوق و درس‌هایی همانند اخلاق مهندسی و آگاهی و حتی اشراف به آن به یک پیش‌شرط اساسی برای فعالیت در صنعت ساخت مبدل شده است با توجه به ضعف نظام آموزشی داخلی، آموزش اصلی مهندسان در محیط کار و در ارتباط با همکاران است. نظر به آموزه‌های نظریه معاشرت‌های افتراقی ساترلند و در فقدان آموزش‌های صحیح، بروز جرم و تخلفات مهندسی در ارتباط مستقیم با شرایط محیطی مهندسان و پیوندهایی است که آنان در محیط کار با یکدیگر ایجاد نموده‌اند و تجربیات و آموزش‌هایی است که آنان در تعامل با سایرین فرا می‌گیرند. لذا ترمیم محیط‌های مهندسی و آشنا نمودن آنها به هنجارهای معقول و اصلاح انحرافات درون‌گروهی می‌تواند در کاهش بروز بزه و گسترش فزاینده آن، در دنیای مهندسی مؤثر باشد. از طرف دیگر بر اساس نظریه فنون خنثی‌سازی، مهندسان رفتارهای مجرمانه خود

را به نوعی توجیه می‌کنند، لذا بحث فرهنگ‌سازی و آموزش می‌تواند نقش مهمی برای جلوگیری از توجیه جرم و تخلف داشته باشد.

نهایتاً، نقش دولت و سیاست‌های ناکارآمد موجود در عرصه مهندسی به عنوان یک عامل محرک برای ارتکاب بزه نباید نادیده گرفته شود. کارکرد ضعیف قوانین در کنار ضعف دولت برای پوشش خلاءهای خود، جولانگاهی برای اقراد سودجو فراهم آورده است از طرفی، سایه چتر حمایتی قوانین بیشتر بر سر کارفرمایان و طرف‌های دولتی گسترده شده و جامعه مهندسی را در مضیقه قرار داده است. بدیهی است که بی‌عدالتی موجود، در بروز تخلفات و جرایم بی‌تأثیر نخواهد بود.

به صورت خلاصه، بر اساس آنچه در این مقاله آمد و با توجه به اینکه بیشتر رفتارهای مجرمانه مهندسان به نوعی دارای عقلانیت و حسابگری است پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. پیشگیری اولیه و نخستین باید در سیاست‌های پیشگیرانه از جرم برای مهندسان گنجانده شود. بدین معنی که، باید تلاش نمود تا مهندسان به ویژه پس از فراغت از تحصیل و در محیط کاری گرایش به ارتکاب جرم پیدا نکنند. هدف اول در این شیوه از پیشگیری، بهبود شرایط زندگی مهندسان به منظور عدم مجرم شدن آنان است و هدف دیگر، تولید و ترویج ارزش‌هایی است که روابط سالم درون گروهی و برون گروهی در تعامل با جامعه را فراهم آورده یا بهبود بخشد.

۲. سنگین نمودن کفه ترازو به نفع مجازات‌ها، تا توجیه قابل قبولی برای ارتکاب بزه وجود نداشته باشد. البته سختگیری‌های بی‌مورد، بدون ضابطه و مضاعف نتیجه عکس در بر خواهد داشت و مجازات‌ها می‌بایست معقول و همسنگ با آثار رفتار بزهکارانه باشد. در این میان سریع و قاطعانه بودن مجازات امری ضروری است.

۳. وضع قوانین حمایتی مناسب برای فعالان حوزه ساخت در مواقعی که پروژه‌ای در دست ندارند یا به هر علت قانونی و عقلانی توان فعالیت نداشته باشند، می‌تواند به عنوان یک سیاست پیشگیرانه مفید فایده باشد. لازم به ذکر است که بیمه بیکاری و سایر حمایت‌های متداول، معمولاً مختص کارمندان و افراد قراردادی است و کمتر به مهندسان تسری می‌یابد و در سازمان تأمین اجتماعی به درخواست مهندسان بیکار برای دریافت بیمه بیکاری کمتر توجه

- می‌شود و سازمان تأمین اجتماعی هم به ندرت چتر حمایتی خود را برای مهندسان بیکار، فعال در پروژه‌های عمرانی در نظر می‌گیرد.
۴. استفاده از ابزار پیشگیری اجتماعی، آموزش و یادآوری رفتارهایی که می‌تواند وصف مجرمانه یا متخلفانه داشته باشد. توضیح بیشتر آنکه، پیشگیری اجتماعی در فرایند رشد مهندسان مداخله می‌کند و در حقیقت به دنبال بهبود شرایط زندگی مهندسان و سالم‌سازی محیط اجتماعی و حذف عوامل مولد جرم است و در راستای حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری گام بر می‌دارد.
۵. شناسایی مهندسان پرخطر و ارائه خدمات مشاوره‌ای به جامعه مهندسی و افرادی که بالقوه در معرض ارتکاب جرم هستند یا سابقاً رفتارهای بزه گونه‌ای از جانب آنان سر زده است.
۶. مشخص نمودن آثار اجتماعی بزه و معرفی بزه دیدگان بالقوه به مهندسان. در واقع مهندس باید از اثرات مستقیم و غیر مستقیم رفتار خود آگاه گردد.
۷. استفاده از پیشگیری‌های موقت و استفاده از ابزار کنترلی. برای مثال رفتار مهندسان در کارگاه‌ها و پروژه‌های عمرانی مورد رصد باشد. البته این شیوه نباید به صورت افراط گونه و مستمر باشد زیرا با توجه به آموزه‌های جرم شناسی نتیجه عکس به همراه خواهد داشت. بازدیدهای دوره‌ای یا اتفاقی نامنظم از فعالیتهای مهندسی می‌تواند مصداقی از این پیشنهاد باشد.
۸. ایجاد تعادل میان عوضین قراردادی در امور مهندسی. با این توضیح که بر اساس نظریات جرم شناسی انتقادی دولت و قوانین نامتعادل، خود مولد جرم هستند. زمانی که دولت در قراردادهای عمرانی خود منفعت خود را بر هر چیز دیگری ارجح قرار دهد به مرور زمان حس نابرابری و بی‌عدالتی برای مهندسان به عنوان یک عامل جرم‌زا خودنمایی خواهد کرد.
۹. سعی در جلوگیری از بروز ادعاها و اختلافات مالی و غیر مالی در پروژه‌های عمرانی. این امر از طریق ایجاد شفافیت صورت می‌پذیرد و زمانی که طرفین تکالیف و وظایف خود را به خوبی بدانند کمتر شاهد بروز اختلاف هستیم. باید اذعان نمود که در زمان بروز اختلافات، معمولاً طرف قدرتمندتر به فرض عدم مراجعه به دادگاه پیروز میدان خواهد بود و نهایتاً مهندس با این تفکر روبرو خواهد شد که به وی ستم شده است.

۱۰. شفافیت در مراودات مالی و اسناد.

۱۱. ایجاد شرایطی که بدبینی موجود نسبت به مهندسان به عنوان قشری که ارتکاب جرم یا تخلف در میان آنان به امری عادی تبدیل شده است، از بین برود. جامعه مهندسی به ویژه جامعه پیمانکاری همیشه در معرض اتهام بوده است و به نوعی با برچسب‌هایی روبرو است که بدبینی نسبت به رفتار وی را تشدید می‌کند.

۱۲. ارزش نهادن به کار مهندسی، بدین نحو که حداقل حقوقی برای وی به صورت آمره و با توجه به شرایط پروژه و مشخصات فردی و تجربه او و سایر شاخص‌های فنی تعیین گردد تا جامعه مهندسی مورد استثمار نهاد قدرت قرار نگیرد. (البته سال‌هاست برای گروه مهندسان ناظر میزان دستمزدی مشخص شده است، لیکن، این میزان دستمزد چنان ناچیز است که با در نظر گرفتن سطح مسئولیت مهندس ناظر اشتغال به امر نظارت مگر از سرناچاری را فاقد توجیه می‌نماید.)

منابع و مأخذ

- ابتکاری، محمدحسین؛ احمدی، سیروس. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه شناختی پتانسیل رفتارهای نابهنجار با تأکید بر نظریه فشار عمومی آگنیو. انتظام اجتماعی، ۱۱(۲)، ۱-۲۲.
- اجزاء شکوهی، محمد؛ صمدی، رضا؛ گودرزی، نصرت‌اله و قنبری، محمد (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی علل تخلفات ساختمانی در کلان‌شهرها با تأکید بر قوانین و ضوابط شهرسازی (مطالعه موردی: مناطق سه و نه شهر مشهد). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۳(۲)، ۱-۱۸.
- اسمعیل‌پور، نجما؛ هروی، زهرا و حیدری‌هامانه، الهام (۱۳۹۸). بررسی علل وقوع تخلفات ساختمانی در شهرهای ایران با تأکید بر نقش شهرداری (مطالعه موردی: محدوده منطقه ۳ شهریزد). فصلنامه مطالعات شهری، ۸(۳۱)، ۱۷-۳۰.
- پژوهان، موسی؛ داراب خانی، رسول؛ جعفری، المیرا و زینل زاده، اردلان (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهر بابلسر). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۲(۲)، ۲۳۹-۲۵۲.
- داراب پور، محمدرضا؛ میرکمالی، سیدعلیرضا (۱۴۰۲). مناسبت‌های جرم‌زا در صنعت ساخت با رویکرد جرائم دولتی-شرکتی. فقه و حقوق نوین، ۳(۱۴)، ۱۰۷-۹۵.
- رحیمی، وحید و پناد، عبدالصهمد (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی آراء صادره کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری زاهدان چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا. دانشگاه تهران.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل؛ آقایاری، مهدی و قلیپور، غلامرضا (۱۳۹۸). نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی. پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱)، ۸۵-۱۱۲.
- رستمی‌تبریزی، لمیاء؛ محتشمی، ندا (۱۳۹۲). نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵(۲)، ۵۹-۱۰۳.
- روستا، مجتبی؛ صحرایان، زهرا و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۷). تحلیل فضایی تخلفات ساختمانی در شهر جهرم. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۲(۶۵)، ۱۶۳-۱۸۲.
- زمانی، زهره (۱۳۹۰). معضل تخلفات ساختمانی در پایتخت با تأکید بر شناسایی عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۴، ۱۰۱-۱۱۸.
- شهیدی، سید مرتضی؛ دهقان، نبی و بدیع صنایع، امین (۱۳۹۷). ارتباط مسئولیت انتظامی با مسئولیت کیفری و مدنی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳(۸۳)، ۱۲۹-۱۵۶.
- کریمستین، اس سیلر و آکرز، رونالد (۱۳۹۰). نظریه‌های جرم‌شناختی: مقدمه، ارزیابی و کاربرد. ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، ۳(۱۲)، ۱۰۵-۱۴۷.

لاله پور، منیژه؛ سرور، هوشنگ؛ اسمعیل پور، مرضیه و مرادی کوچی، سمیرا (۱۳۹۸). بررسی وضعیت تخلفات ساختمانی و علل و انگیزه‌های وقوع آن در شهر شیراز. جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۹(۳۰)، ۵۹-۷۶.

محمدنسل، غلامرضا و اشراقی، مهرداد (۱۳۸۸). نقش موقعیت در بزهکاری. انتظام اجتماعی، ۱(۳)، ۷۹-۱۰۲.

محمدی، جمال و میرزائی، سارا (۱۳۹۴). تبیین وضعیت و شناخت عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در کلانشهرهای ایران مطالعه موردی: مناطق پانزده گانه شهر اصفهان. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۰(۲) شماره پیاپی (۱۱۷)، ۱۹۵-۲۱۴.

نجفی‌ایرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی. به کوشش مهدی صبوری‌پور، دانشگاه شهید بهشتی.

نوغانی دخت بهمنی، محسن و میرمحمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۴). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فرا)تحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۳)، ۸۵-۱۰۲.

نیازپور، امیرحسن (۱۴۰۰). درس گفتار جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه شهید بهشتی. یامین‌پور، وحید (۱۳۸۹). بررسی علل گرایش به جرم و انحراف در ساخت اجتماعی جوامع در حال توسعه با تکیه بر تغییر ساختار خانواده ایرانی-اسلامی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۱(۲) (پیاپی ۳۲)، ۶۳-۸۸.

References

- Ajza Shokouhi, M., Samadi, R., Goudarzi, N. A., & Ghanbari, M. (2017). Analysis and Study of Building Violations' Reasons in Metropolises, with Emphasis on Urbanism Laws and Regulations Case Study: Zones 3 and 9 of Mashhad. *Geography and Urban Space Development*, 3(2), 1-18. doi:10.22067/gusd.v3i2.32114 (in Persian)
- Chambliss, W., Mankoff, M., & Pearce, F. (2000). *Traditional Marxist Perspectives on Crime*. Sociology Themes and Perspectives, Haralambos.
- Christian, S.S., & Akers, R. (2011). Criminological theories: introduction, evaluation and application. Translated by Behrooz Javanmard, *Excellence in Law*, 3(12), 105-147. (in Persian)
- Davies, J. (2022). Criminogenic dynamics of the construction industry: a state-corporate crime perspective. *Journal of White Collar and Corporate Crime*, 3(2), 90-99.
- Esmailpour, N., Heravi, Z., & Heidari Hamane, E. (2019). Investigating the Causes of building breach in the Third district of Yazd. *Urban Studies*, 8(31), 17-30. doi: 10.34785/J011.2019.225 (in Persian)
- Ganji, S. K. (2016). Leveraging the World Cup: Mega sporting events, human rights risk, and worker welfare reform in Qatar. *Journal on Migration and Human Security*, 4(4), 221-259.
- Hatmi, I., Pakzad, B., Farah Bakhsh, M., & Khosravi, H. (2019). Analysis of the causes of Iran's economic crimes in the light of economic criminology theories. *Naja Strategic Studies*, 4(11), 91-114. (in Persian)
- ILO (2014). *Profits and property: the economics of forced labor*. International Labour Organization. Available at: https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_243391.pdf
- Kankaanranta, T., & Muttilainen, V. (2010). Economic crimes in the construction industry: case of Finland. *Journal of Financial Crime*, 17(4), 417-429.
- Lalepour, M., Sarvar, H., Esmailpour, M. & Moradikochi, S. (2018). Investigating the situation of construction violations and the causes and motives of their occurrence in Shiraz city. *Geography and Regional Urban Studies*, 9(30), 59-76. (in Persian)
- Lillie, N. (2012) Subcontracting, Posted Migrants and Labour Market Segmentation in Finland. *British Journal of Industrial Relations*, 50(1), pp. 148-167. doi: 10.1111/j.1467-8543.2011.00859.x.
- Mohammad Nasl, G., & Eshraghi, M. (2008). The role of position in entrepreneurship. *Social Order*, 1(3), 79-102. (in Persian)

Mohammadi, J. & Mirzaei, S. (2015). Explaining the situation and identifying factors affecting construction violations in Iran's metropolises, case study: 15 districts of Isfahan city. *Geographical Research Quarterly*, 30 (2), 195-214. (in Persian)

Najafi-Abrandabadi, A.H. (2012). *Lectures on criminal sociology*. By Mehdi Sabouripour, Shahid Beheshti University. (in Persian)

Niazpour, A. (2021). *Criminal Sociology speech course*. Shahid Beheshti University. (in Persian)

Noghani Dekht Bahmani, Mohsen and Mir Mohammad Tabar, Seyed Ahmad (2014). Investigating the economic factors affecting crime (a meta-analysis of research conducted in Iran). *Strategic Researches of Iran's Social Issues*, 4(3), 85-102. (in Persian)

Noghani Dokht Bahmani, M., & Mir Mohamad Tabar, S. A. (2016). Study of Economic Factors Affecting the Crime (Meta-analysis of Research Conducted in Iran). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 4(3), 85-102. (in Persian)

Pazhuhan, M., Darabkhani, R., Jafari, E., & Zeinalzadeh, A. (2014). Investigation of effective factors on constructional infraction in small towns (Case Study: Babolsar). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2(2), 239-252. doi: 10.22059/jurbangeo.2014.51970. (in Persian)

Rahimi, V., & Penad, A (2016). Analysis and review of the votes issued by the Article 100 Municipality Commission, case study: District 2 of Zahedan Municipality, *the fourth national scientific conference of geography students*. University of Tehran. (in Persian)

Rahiminejad, I., Aghaari, M., & Ghalipour, G. (2019). The theory of crime neutralization and its relationship with restorative justice. *Criminal Law Research*, 3(11), 85-112. (in Persian)

Reeves-Latour, M., & Morselli, C. (2017). Bid-rigging networks and state-corporate crime in the construction industry. *Social Networks*, 51, 158-170.

Rostami Tabrizi, L., & Mohteshmi, N. (2012). The theory of interactionism and its critical analysis. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, 5(2), 59-103. (in Persian)

Rusta, M., sahraeian, Z., & rafiyan, M. (2018). Spatial Analysis of Building Violations in Jahrom City. *Geography and Planning*, 22(65), 163-182. (in Persian)

Shahidi, S.M., Dehghan, N. & Badi Sanaye, A. (2017). The relationship between disciplinary liability and criminal and civil liability. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 23(83), 129-156. (in Persian)

Shahpouri, T., & bashirie, T. (2019). The approach of the new criminal justice system of Iran based on the theory of labeling. *Legal Research Quarterly*, 22(87), 275-302. doi: 10.29252/lawresearch.22.87.275 (in Persian)

Shahpuri, T., & Bashiriyeh, T. (2019). The approach of Iran's modern legal system of criminal proceedings based on labeling theory. *Legal Research Quarterly*, 22(87), 275-302. (in Persian)

Van De Bunt, H. (2010). Walls of secrecy and silence: The Madoff case and cartels in the construction industry. *Criminology & Public Policy*, 9(3), 435-453.

Werdmuller J. (2016). *Hidden in Plain Sight: Modern Slavery in the Construction Industry*. London: Lexisnexis, 1-51.

Wijesinghe, P., & Jayawardane, T. (2020). Guidance from the Senior Engineers during the Undergraduate Training-A Case Study. *Journal of the University of Ruhuna*, 8(2), 83-92.

Yaminpour, V. (2010). A Study of the Causes of Turning to Social Deviations in the Social Structure of Developing Societies(with special focus on Iranien - Islamic Family). *Islamic Law Research Journal*, 11(2(32)), 63-88. (in Persian)

Yao, H., Chen, Y., Zhang, Y., & Du, B. (2021). Contractual and relational enforcement in the aftermath of contract violations: the role of contracts and trust. *International Journal of Managing Projects in Business*, 14(6), 1359-1382.

Zamani, Z. (2011). The problem of construction violations in the capital with an emphasis on identifying factors affecting it. *Knowledge Quarterly of Tehran Crisis Prevention and Management*, 14, 101-118. (in Persian)